

# دکتر دانیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۲۵، عیسی در مورد مدیر زیرک و طلاق لوقا ۱۶: ۱-۱۸

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

دکتر دانیل کی. دارکو در مورد آموزه‌هایش در مورد انجیل لوقا صحبت می‌کند. این جلسه ۲۵، عیسی در مورد مدیر زیرک و طلاق، لوقا ۱۶: ۱-۱۸ است.

به مجموعه سخنرانی‌های الکترونیکی کتاب مقدس در مورد انجیل لوقا خوش آمدید.

در سخنرانی قبلی، به تمثیل‌های پسران گمشده یا آنچه برخی از شما به عنوان تمثیل پسر ولگرد می‌شناسید پرداختیم و همانطور که آن سخنرانی را دنبال می‌کنید، احتمالاً متوجه شده‌اید که من از این ایده که کوچکترین پسر در آن تمثیل ولگرد نامیده می‌شود، خوشم نمی‌آید، زیرا هدف عیسی این است که نشان دهد او پسر بود که گم شده بود و این پسر پیدا شد. به آنچه در لوقا فصل ۱۵ اتفاق می‌افتاد توجه کنید، زیرا مستقیماً به لوقا ۱۶ خواهیم رفت. فریسیان و کاتبان از عیسی پرسیدند و تعجب کردند که چرا عیسی با باجگیران و گناهکاران غذا می‌خورد.

عیسی از سه مثل، مثل گوسفند گمشده، مثل سکه گمشده و مثل پسران گمشده، برای توضیح اینکه چرا غذا خوردن با باجگیران و گناهکاران دلیلی برای جشن گرفتن است، استفاده کرد. نکته اصلی در تفسیر سخنان عیسی این است: گمشدگان پیدا شده‌اند. بیایید جشن بگیریم، و اگر فقط می‌توانستید ببینید و تصور کنید و تشخیص دهید که برای پیوستن به این مهمانی چه کاری می‌توانید انجام دهید، متوجه می‌شدید که دلیل خوبی برای آمدن و جشن گرفتن برای گمشدگان و بازگشتگان به خانه وجود دارد. در فصل ۱۶، عیسی موضوع را به سطح جدیدی می‌برد و شروع به خطاب قرار دادن شاگردان می‌کند.

توجه کنید که در مورد قبلی، فریسیان بودند. حالا تمرکز روی شاگردان است. و سپس در اینجا او یک مثلی را بیان می‌کند که امروزه در تحقیقات علمی بسیار بحث‌برانگیز خواهد بود، و من سعی خواهم کرد تا حد امکان آن را باز کنم.

فصل ۱۶، آیه ۱. آنچه شما به عنوان مثل مباشر حقیقی می‌شناسید. او همچنین به شاگردان گفت که مرد ثروتمندی مباشری داشت. و به او اتهاماتی وارد شد مبنی بر اینکه این مرد دارایی خود را هدر می‌دهد.

و او را فراخواند و به او گفت، این چیست که درباره تو می‌شنوم؟ حساب مدیریتت را بده، زیرا تو دیگر مدیر نیستی، دیگر نمی‌توانی مدیر باشی. و مدیر با خود گفت، چه کنم؟ از آنجایی که اربابم مدیریت را از من می‌گیرد، من به اندازه کافی قوی نیستم که بتوانم بیل بزنم و از گدایی کردن هم خجالت می‌کشم. تصمیم گرفتم چه کار کنم.

تا وقتی از سرپرستی برکنار شوم، مردم بتوانند مرا در خانه‌های خود بپذیرند. پس، بدهکاران ارباب خود را یک به یک احضار کرد و به اولی گفت: چقدر به اربابم بدهکاری؟ گفت: صد پیمانانه روغن. به او گفت: صورتحسابت را بگیر و زود بنشین و بنویس پنجاه.

سپس به دیگری گفت، چقدر بدهکاری؟ گفت، صد پیمانانه گندم. به او گفت، صورتحسابت را بگیر و بنویس ۸۰. آیه ۸. و به آیه ۸ به طور خاص توجه کنید زیرا من کلمه استاد را برای شما برجسته می‌کنم.

این یک زبان بسیار بحث‌برانگیز است که بعداً از شما می‌خواهم کمی دقیق‌تر به آن نگاه کنید. ارباب، مدیر نادرست را به خاطر زیرکی‌اش تحسین کرد. زیرا فرزندان این دنیا در رفتار با نسل خود از فرزندان نور زیرک‌ترند.

و من به شما می‌گویم، از طریق افراد ناصالح برای خود دوستانی پیدا کنید تا وقتی که شکست خوردند، شما را در خانه‌های ابدی خود بپذیرند. این یک مثل بسیار جالب و در عین حال بحث‌برانگیز است. زیرا در واقع، توجه کنید که اینجا چه اتفاقی می‌افتد.

عیسی تازه صحبتش را با فریسیان و کاتبان تمام کرده بود. و من همین الان سه تا مثل برایشان تعریف کردم تا به نوعی دلیل اینکه چرا او با باجگیران و گناهکاران شام می‌خورد را تأکید کنم. آنها در پادشاهی خدا گم می‌شوند و پیدا می‌شوند.

از مطرودین با مهمان‌نوازی استقبال می‌شود، و خود عیسی به والاترین شکل مهمان‌نوازی در پادشاهی خدا اشاره می‌کند. حال، اگر به شاگردانی که در سخنرانی امروز، یا در حدود چهار، سه یا چهار سخنرانی بعدی می‌بینید، بپردازیم، متوجه خواهید شد که هر زمان که به شاگردان می‌پردازیم، بحث نوعی مسئولیت رهبری را بر عهده می‌گیرد. بنابراین در اینجا شخصیت در این تمثیل، یک مدیر یا مباشر زیرک است.

است *okonomia* فکر می‌کنم قبل از ادامه باید کمی در مورد کلمه مباشر توضیح بدهم. کلمه مباشر، کلمه که در واقع به معنای مدیر خانه است. این شخص می‌تواند یک برده باشد یا کسی که ارباب او را برای انجام امور خانه و اداره آن، وقتی که به مسافت دوری سفر می‌کند یا به مکان دیگری می‌رود که آن را محل سکونت یا محل اقامت راحت خود می‌داند، می‌آورد.

به این شخص خیلی چیزها سپرده شده است. تمام آنچه مدیر، اگر برده باشد، مدیون است، برده همچنین بر کار سایر برده‌ها نظارت دارد و اگر دوست دارید، این شخص حس اعتبار دارد زیرا اعتمادی که با آن مدیریت خانه همراه است، اگر دوست دارید، با اقتدار و قدرت زیادی همراه است. بنابراین، تصور کنید که در این تمثیل چه اتفاقی می‌افتد وقتی مدیر متوجه می‌شود که اوضاع آنقدرها هم خوب پیش نرفته است و ارباب قصد اخراج او را دارد.

او تصمیم می‌گیرد، و سپس، به شیوه‌ای بسیار عجیب، در آیه هشتم، به ما گفته می‌شود که ارباب، رفتار این مدیر زیرک را فرمان می‌دهد. سوالات کلیدی که باید قبل از ادامه به آنها در این تمثیل نگاه کنیم و در اینجا چهار سوال مطرح می‌کنم. اول، کوریوس یا ارباب در آیه هشتم به چه کسی اشاره دارد؟ اگر اربابی که رفتار را فرمان می‌دهد به ارباب تمثیل اشاره داشته باشد، پس به این معنی است که اربابی که فریب خورده، در شخصیت یک فرد نادرست، فضیلتی دیده یا در شخصیت یک مباشر نادرست، رفتاری الگوبرداری شده دیده است.

همچنین می‌توان در آیه هشتم، استاد، کوریوس، را از منظر عیسی در نظر گرفت. اگر کوریوس را از منظر عیسی در نظر بگیرید، آنگاه عیسی در مورد وقایعی صحبت می‌کند که در مثل جداگانه هستند و این گذار را به شکل کاربردی انجام می‌دهد تا نشان دهد که شما می‌دانید که این یک مباشر فاسد است، اما مباشر فاسد، دوران‌دیشی‌ای داشت که ستودنی است. دومین سؤالی که باید هنگام شروع بررسی این مثل به آن توجه کنیم، ماهیت رفتار مورد نظر است.

چیست؟ چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ چه چیزی دستور داده شده است؟ به عبارت دیگر، آیا عیسی به کسی دستور می‌دهد که از ارباب برای به دست آوردن فرانسه سوءاستفاده کند؟ یا اگر مایل باشید، این ستایش در

مورد سخاوت شخصی یک مباشر است که قرار است آنچه را که برای به دست آوردن فرانسه به او تعلق دارد، به عنوان بخشی از استراتژی خود بگیرد؟ سوال سومی که می‌توان در مورد این مثل پرسید این است که آیا باید به زبان بی‌صدافتی در آیه ۸ به عنوان چیزی که به اعمال قبلی همان خدمتکار اشاره دارد، نگاه کنیم و سپس جایی برای گفتن بگذاریم، می‌دانید چیست، در مثل تغییری در رفتار قبلی و تغییر به رفتار فعلی وجود دارد، زیرا در همان آیه ۸ که اریاب خداوند نامیده می‌شود، مباشر هنوز بی‌صدافت، ناعادل، یا اگر دوست دارید، ظالم نامیده می‌شود، اگر بخواهیم کلمه را دقیقاً ترجمه کنیم. در نهایت، هنوز می‌توان این سوال را پرسید که آیا این مباشر حتی قبل از ورود اریاب، در مثل با بدهکاران معاملات مشکوکی داشته است و آنچه اریاب در آن زمان می‌گوید، تنها بازتاب برخی از چیزهایی است که در حال وقوع است. به دلیل جنجال‌های پیرامون این تمثیل، محققان علاقه زیادی به آن پیدا کرده‌اند، اما به خاطر این مجموعه سخنرانی‌های آموزش الکترونیکی کتاب مقدس، می‌خواهم به شما یادآوری کنم که در مطالعات کتاب مقدس یا در تمایل یا تلاش برای درک متون مقدس امروزی، چه کارهایی را نباید انجام دهید.

در ۳۰-۴۰ سال گذشته، ما وسواسی نسبت به پژوهش پیدا کرده‌ایم که می‌گوید اگر چیزی بحث‌برانگیز است، پس علمی است؛ اگر چیزی خیلی مشکوک یا خیلی خلاف عرف است، پس علمی و جذاب است. نمی‌دانم این مجموعه سخنرانی‌ها را از کجا دنبال می‌کنید، اما قبل از اینکه به این سخنرانی ادامه دهم، فقط می‌خواهم مکتی کنم و شما را از این کار برحذر دارم. این دنیای من در دنیای اقتصاد است و دنیای شادی نیست.

تصور کنید که تمام تلاش شما در زندگی این است که چیزی بحث‌برانگیز پیدا کنید تا کسی بگوید چیز جدیدی برای مبارزه دارید. ما فقط می‌خواهیم در این مورد محتاط باشیم، و من به تمام مسائلی که پیرامون این مثل خاص وجود دارد فکر می‌کنم که سوالات مشروعی برای پرسیدن هستند. فکر می‌کنم این یکی از دلایلی است که در 30 سال گذشته توجه زیادی به برخی از سوالاتی که در مورد این مثل مطرح می‌کنیم شده است و اغلب موضوع اصلی اینجا را از دست می‌دهیم. بنابراین اجازه دهید سعی کنم برخی از چیزهایی را که عیسی در اینجا می‌گوید، خلاصه کنم.

یادتان هست که گفتم عیسی درباره شاگردان صحبت می‌کند. حضار اینجا شاهد گذار از فریسیان و کاتبانی که می‌پرسیدند چرا او با باجگیران و گناهکاران می‌میرد، به شاگردان بوده‌اند. بنابراین تمرکز اینجا بر نقش رهبری شاگردان در سفر عیسی به سمت اورشلیم است، با علم به اینکه او در اورشلیم و نقشه لوقا اتفاق خواهد افتاد. عیسی به تدریج آنها را به دوران آخرالزمانی هدایت می‌کند، جایی که آنها باید از آنچه رهبری در پادشاهی خدا به دنبال دارد آگاه باشند و باید دوراندیشی داشته باشند تا بتوانند در آن مسیر وفادارانه گام بردارند، با علم به اینکه همه چیز اینجا و اکنون نیست.

ببینید، مباشر در اینجا همان چیزی است که در آیه ۱۳ به ما گفته شده است، یعنی منابع اریاب را هدر داد این همان زبانی است که در لوقا ۱۵ استفاده شده است، جایی که درباره پسر گمشده‌ای صحبت می‌شود که دارایی پدر را در خارج از کشور هدر می‌دهد. اگر یادتان باشد، من در آن مکالمه از تشبیه لاس وگاس استفاده کردم.

نکته‌ی دیگری که در این تمثیل خاص باید مشاهده کرد این است که می‌بینید این مباشر خاص چنین شخصیتی دارد. این مباشر حتی وقتی اخراج شود، رفتارش را تغییر نخواهد داد. اریاب گفت می‌دانی چیست؟ تو شغلت را از دست خواهی داد چون خیلی نادرست بوده‌ای، و بسته به اینکه چگونه اریاب را در ابتدای آیه‌ی ۸ ترجمه کنید، اتفاقی که می‌افتد این است.

مباشر به دلیل فساد اخراج می‌شود. حالا که این را قبل از رفتنم به من گفته‌اند، بگذارید یک فساد دیگر هم داشته باشم، کاری که قرار نیست در رهبری پادشاهی انجام شود، اینطور نیست؟ اما آیا این روزها داستان این نیست؟ آیا افرادی که به دلیل فساد دستگیر می‌شوند، حتی سعی می‌کنند در استراتژی خروج خود از روش‌های مشکوک‌تری استفاده کنند تا بتوانند به راحتی روی بالشی فرود بیایند؟ حال، این می‌تواند برای کاربرد در جایی باشد، اما فقط به یاد داشته باشید که عیسی در مورد شاگردان صحبت می‌کند. اینها کسانی هستند که قرار است پس از هفته مصائب و پس از مرگ و رستاخیز او و مأموریت دادن آنها به رفتن به اورشلیم، جانشین او شوند. جلد دوم لوقا-اعمال رسولان با اعمال رسولان آغاز می‌شود و در مورد آغاز یا آغاز مسیحیت اولیه صحبت می‌کند. بنابراین، عیسی چیزی در مورد شخصیت این مباشر به ما نشان می‌دهد که باید بسیار بسیار نگران آن بود، و با این حال چیزی در مورد مباشر در این تمثیل سفارش شده است.

ما همچنین در اینجا متوجه می‌شویم که مباشر بسیار زیرک است. او از حساسیت‌های فرهنگی برای جلب نظر مردم استفاده می‌کند، زیرا این فرهنگی است که در آن مهمان‌نوازی چیز بزرگی است و فرهنگ عمل متقابل وجود دارد که در آن سخاوت متقابل است و بنابراین مردم احساس می‌کنند که وقتی به کسی مهربانی می‌شود، چیزی به او بدهکارند و بنابراین او می‌گوید، نه، من این ایده را گرفتم، این چیزی است که می‌توانم از آن سوءاستفاده کنم. توجه کنید که در آن تمثیل، او می‌گوید تا بتوانند او را در خانه‌های خود بپذیرند. او می‌گوید چقدر به ارباب من بدهکار هستید؟ آیا متوجه می‌شوید که چیزها چقدر اساسی هستند؟ او از روغن، نیاز شما برای یک وعده غذایی، و گندم نام می‌برد.

خب، چقدر بدهکاری؟ فقط نصفش کن، فقط برای اینکه ذی‌نفع دلش برای پذیرش او باز باشد. این کار هنوز هم سخاوت محسوب می‌شود، نه خصوصی. در واشنگتن، به آن عشق می‌گویند.

در سیاست آفریقا، این یک فساد کامل است. اما می‌بینید، این مباشر توسط ارباب دستگیر می‌شود، می‌گوید من تو را اخراج می‌کنم، اما او هنوز هم همه این کارها را انجام می‌دهد. می‌بینید، همانطور که به این تمثیل فکر می‌کنیم و اینکه چگونه عیسی در مورد پادشاهی خدا و جایگاه مطرود صحبت می‌کند، مسئولیتی را که عیسی بر دوش شاگردانش می‌گذارد و نیاز آنها به انجام کاری که قرار است برای پیشبرد پادشاهی خدا در نقش‌های رهبری و به عنوان شاگردان خود مسیح عیسی انجام دهند را فراموش نکنید.

وقتی به این مباشر نگاه می‌کنیم، به همین دلیل است که سه دیدگاه در مورد هویت این مباشر خاص و رفتارش مطرح شده است. برخی می‌گویند شاید آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد این است که عیسی علاقه‌مند است دوراندیشی یک مرد نادرست را به عنوان درسی برای رهبران پادشاهی برجسته کند. نه همه چیز دیگر، در مورد این شخص خاص، بلکه دوراندیشی او برای اینکه بتواند بگوید فاسد است، مورد توافق قرار گرفت. اما او قادر است آینده را ببیند تا کارهای آینده را برای او انجام دهد.

این شخص باید مورد تحسین قرار گیرد. بنابراین، گروهی از محققان این استدلال را تا آن حد پیش بردند و شما می‌توانید داستان را در این مسیر بخوانید. نکته دیگری که در دیدگاه‌های مربوط به رفتار در اینجا می‌یابیم، جایی است که تأکید بر مباشر است و یک دیدگاه به شرح زیر است: مباشر برای ارباب خود کار می‌کند و در مورد چیزهایی که به ارباب بدهکار است، مأموریت دارد.

به عبارت دیگر، اگر بدهکاران بدهی‌های خود را پردازند، به نفع مباشری خواهد بود که اخراج می‌شود. بنابراین، اگر آنها بتوانند بدهی‌های خود را به طور کامل پرداخت کنند، آنگاه مباشر، طبق این دیدگاه، ممکن است نیمی از بدهی آنها را به دست آورد. مباشر با علم به اینکه وقتی اخراج شود، برای جمع‌آوری بدهی‌ها و در نتیجه بهره‌مند شدن از این کمیسیون، آنجا نخواهد بود، تصمیم می‌گیرد قبل از رفتن، سخاوت به خرج

دهد و سهم خود از بدهی را ببخشد تا وقتی نیمی از بدهی را به ارباب پرداخت می‌کنند، در این فرآیند فرانسه را به دست آورد.

اگر آن را اینگونه تفسیر کنید، همانطور که برخی از محققان این دیدگاه را مطرح کرده‌اند، در اینجا رفتار بد زیادی نمی‌بینید. در واقع کسی را می‌بینید که می‌گوید بگذارید از پول رایج به عنوان مثال استفاده کنم. مثلاً فرض کنید من برای یک استاد کار می‌کنم و سه نفر به استاد من مبلغ زیادی بدهکارند.

بعضی‌ها یک میلیون بدهکارند، یکی مثلاً ۱۰۰۰۰۰ و دیگری ۱۰۰۰۰. اما توافق من با اربابم به عنوان بخشی از خدمتم این است که اگر کسی که یک میلیون بدهکار است، آن یک میلیون را پس بدهد، اگر من بتوانم آن یک میلیون را برگردانم، آنگاه حق دریافت نیم میلیون را خواهم داشت و نیم میلیون به ارباب خواهد رسید. و برای کسی که ۱۰۰۰۰ یا ۱۰۰۰۰۰ بدهکار است، اگر آن را پس بدهند، من ۵۰ تا به اربابم می‌دهم. زیرا این چیزی است که اربابم انتظار دارد.

و برای ده هزار تا، من پنج تا می‌دهم چون اربابم این انتظار را دارد. و بنابراین کسانی که این تمثیل را اینگونه تفسیر می‌کنند، می‌گویند که قضیه از این قرار است. این مرد می‌گوید که من سخاوتمندانه دارم کمسیونم را برای بردن فرانسه می‌دهم.

اگر این تمثیل را اینطور بخوانید، همه چیز خیلی خوب به نظر می‌رسد. بعد می‌بینید که یک آدم خیلی عاقل می‌گوید، می‌دانید چیست، اگر فردا اخراج شوم، نمی‌توانم کلکسیونر باشم. اما کلکسیونری خواهم بود که عاقل است.

مبارزه با کسانی که آن را اینگونه تفسیر نمی‌کنند، زبان زیرکی و زبان آدکیا، یعنی نادرست و ناعادلانه است. این مورد استفاده می‌شود. نگاه دیگری که ما به این مثل داریم، نگاه کسانی است که تأکید می‌کنند، و من به این سمت متمایل هستم، که وقتی به کاری که عیسی در اینجا انجام می‌دهد نگاه می‌کنیم، عیسی در مورد تصویر کلی از هر جزئیات مثل صحبت نمی‌کند، بلکه شاید به زیرکی مباشر و توانایی او در تضمین جایگاهی برای خود در آینده بسیار علاقه‌مند است.

اگر منظورتان بخش کوچکی است که به آن نگاه می‌کنید، پس دیدگاه اول را فراموش کنید، که در مورد چهار ضلع صحبت می‌کند اما شامل فرد متقلب بزرگ و همه چیز می‌شود. دیدگاه آخر می‌گوید، نه، نه، نه، او یک آدم متقلب است. اما نکته‌ی عیسی ربطی به این ندارد.

همانطور که بعداً خواهیم دید، شاید منظور عیسی این باشد که شاگردان را به چالش می‌کشد تا در پادشاهی، خدا، با دوراندیشی، خادمان وفادار باشند و با وفاداری خدمت کنند. زیرا اگر آنها با وفاداری خدمت کنند خدا به وفاداری آنها پاداش خواهد داد. اگر از این تمثیل بگذرم و به شما بگویم که این دیدگاه‌ها مسائل حل شده‌ای هستند، لطفی در حق شما نکرده‌ام.

نه، این موضوع مورد بحث بین محققان است. اما می‌خواهم از شما بخواهم که به این شکل به آن فکر کنید. به این فکر کنید که عیسی چگونه این مثل را ادامه خواهد داد، با علم به اینکه با شاگردان صحبت می‌کند، و چگونه بر وفاداری و پاداش تأکید خواهد کرد.

به عبارت دیگر، اگر کسی بپرسد که در این مثل چه چیزی مورد بحث است، من می‌گویم، به پنج نکته توجه کنید. اول، امانتداری می‌تواند موضوع اصلی در این مثل باشد، که در آن عیسی بسیار علاقه‌مند است مطمئن شود که شاگردانش درک می‌کنند که اگر از اموالی که به دستشان سپرده شده است به خوبی مراقبت

کنند و امانتدار شوند، آن امانت پاداش خواهد گرفت. نکته دوم مورد بحث، مشاهده بی‌صدافتی به قیمت آن خواهد بود، جایی که عیسی تأکید می‌کند که وقتی کسی در مورد آنچه متعلق به دیگری است بی‌انصاف است، خدا نمی‌تواند به آن شخص اعتماد کند که وفادار باشد تا اموال خودش را به او بدهد.

سومین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، دوران‌دیشی در این مثل است، جایی که عیسی تأکید کرد، که به نظر من در اینجا موضوع بسیار بسیار مهمی است، اینکه نگاه به آینده برای تضمین آینده، برای کسانی که رهبری در پادشاهی خدا را بر عهده دارند، امری عاقلانه است. حال، اگر به دیدگاه دومی که قبلاً اشاره کردم تمایل دارید، می‌توانید به زیرکی این شخصیت خاص، ببخشید، در مثل نیز توجه کنید، اگر واقعاً از مأموریت خود به عنوان خیرخواهی استفاده کرده باشد. اما حتی اگر از مأموریت خود استفاده نکند، توجه کنید که در کجا می‌توانید زیرکی او را در این روایت ببینید، جایی که می‌گوید، من در مورد آنچه متعلق به من نیست خیرخواه خواهم بود تا بتوانم به حساسیت‌های فرهنگی سخاوت و عمل متقابل متوسل شوم، تا وقتی که بیرون انداخته شوم، شاید بهتر عمل کنم.

بحث عیسی در مورد شاگردی را در اینجا از دست ندهید. شاگردان باید با حس عمیق اختیار آگاه باشند و بدانند که باید توانایی تفکر فراتر از زمان حال را داشته باشند، زیرا دوران‌دیشی در امور مربوط به خدمت صادقانه در پادشاهی خدا بسیار بسیار مهم است. همانطور که جوزف فیتزمایر در تفسیر خود بیان کرده است، او می‌گوید، این تمثیل هشداری علیه ماهیت مخرب ثروت، تأیید بی‌صدافتی مدیر یا تأیید هرگونه جعل حساب نیست.

تأیید ارباب به تدبیر مدیر بستگی دارد، مدیری که می‌داند چگونه از دارایی‌های مادی خود به بهترین نحو برای تضمین امنیت آینده‌اش استفاده کند. اگر این موضوع در ذهن شما وجود دارد، حتی با اینکه فیتزمایر به آن مرد که از مأموریت خود به عنوان خیرخواهی استفاده می‌کرد، تمایل داشت، به آیه ۱۰ نگاه کنید. عیسی در ادامه می‌گوید، کسی که در امور کوچک امین باشد، در امور بزرگ نیز امین خواهد بود و کسی که در امور کوچک خائن باشد، در امور بزرگ نیز خائن خواهد بود.

اگر در مال غیر درستکار امین نبوده‌اید، چه کسی ثروت حقیقی را به شما خواهد سپرد؟ و اگر در مال دیگری، امین نبوده‌اید، چه کسی مال خودت را به شما خواهد داد؟ هیچ بنده‌ای نمی‌تواند به دو ارباب خدمت کند زیرا یا از یکی متنفر و دیگری را دوست خواهد داشت، یا به یکی وفادار و دیگری را حقیر خواهد شمرد. شما نمی‌توانید هم به خدا و هم به پول خدمت کنید. اساساً، در مورد اصول پادشاهی، این چهار نکته را به سرعت شرح می‌دهم.

اولاً، عیسی این تمثیل را با تأکید بر این نکته به پایان می‌رساند که کسی که در کار کوچک وفادار باشد، کارهای بزرگ به او سپرده خواهد شد. منظور از این ویژگی در اینجا، اصل اخلاقی یا اصل پارسایی است که شخصی که از خدا می‌ترسد و در آنچه خدا به او سپرده است وفادار می‌ماند، کسی است که می‌تواند به او در مورد چیزی که خدا می‌تواند به او بدهد تا از آن مراقبت کند، اعتماد کرد. ثانیاً، اصل عیسی که از این تمثیل استنباط می‌شود این است که وفادار بودن در خدمت به دیگران در نهایت پادشاهی را برای مؤمنان به همراه خواهد داشت.

سوم، عیسی همچنین در این مثل تأکید می‌کند که بی‌وفایی در خدمت به خدا، بلافاصله پس از بیان مثل انتقام تنبیهی را به دنبال خواهد داشت. و در نهایت، همانطور که او اصول مثل را در اینجا به پایان می‌رساند، من مورد چهارم را برجسته می‌کنم. دوران‌دیشی خوب باید رفتار مناسب در خدمت به خدا را رقم بزند.

آیا این درست نیست که امروزه بسیاری از شاگردان عیسی مسیح به اینجا و اکنون فکر می‌کنند و نه به آینده؟ و با این حال، وقتی شروع به صحبت در مورد آنچه آنها را مسیحی یا مقصد مسیحی‌شان می‌کند، می‌کنند، از بودن در راه بهشت، آینده صحبت می‌کنند. آیا متوجه هستید که این طیف به هم پیوسته طیف زمانی، می‌گوید: من می‌خواهم اینجا و اکنون بدون آینده‌نگری زندگی کنم، اما می‌خواهم طوری زندگی کنم که انگار ویزای رفتن به بهشت را در آینده دارم؟ عیسی برای شاگردان می‌گوید، خداوند، استاد، چیزهای زیادی را به مراقبت ما به عنوان مباشر، به مراقبت آنها به عنوان مباشر، سپرده است.

اگر آنها به آنچه که متعلق به خداست وفادار باشند، خداوند با دانستن اینکه آنها قابل اعتماد هستند، به آنها پاداش خواهد داد. آنها باید زندگی خود را با این دوراندیشی پیش ببرند که قاضی نهایی خواهد آمد و قاضی نهایی در مورد اینکه آیا آنها وفادار هستند یا بی‌وفا، آیا صادق هستند یا ناصادق، و اینکه آیا مستحق پاداش هستند یا مجازات، تصمیم خواهد گرفت. برای شاگردان، اصل مطلب این است.

اگر فریسیان از شنیدن اینکه چرا عیسی با باجگیران و گناهکاران شام می‌خورد، ناراحت بودند، باید می‌دانستند که خدمت به پادشاهی مستلزم وفاداری و تدبیر است. تدبیر از نظر دوراندیشی مدیریتی. تا زمانی که آنها این کار را انجام دهند، توسط خود خدا پاداش خواهند گرفت.

وقتی عیسی سخنانش را با این عبارات تمام کرد، شاگردان را به کناری راند و برخی از فریسیان وارد ماجرا شدند. و حالا او به سراغ فریسیان می‌رود. و می‌دانید وقتی عیسی وارد گروه این فریسیان می‌شود چه اتفاقی می‌افتد.

بنابراین حالا شاگردان در پس‌زمینه محو می‌شوند، فریسیان می‌آیند، و من از آیه ۱۴ می‌خوانم. فریسیانی که پول‌پرست بودند، که عاشق پول بودند، تمام این چیزهایی را که او به شاگردان می‌گفت، داشتند و او را مسخره می‌کردند. و او به آنها گفت، شما کسانی هستید که خود را در برابر مردم توجیه می‌کنید، اما خدا از دل‌های شما آگاه است.

زیرا آنچه در نظر مردم والا است، در نظر خدا مکروه است - آیه ۱۶. شریعت و انبیا نزد یحیی بودند.

از آن زمان، مژده پادشاهی خدا موعظه می‌شود و هر کس به زور وارد آن می‌شود. اما آسان‌تر است که آسمان و زمین از بین بروند تا اینکه یک نقطه از تورات باطل شود. هر که زن خود را طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، زنا می‌کند.

و کسی که با زنی که از شوهرش طلاق گرفته ازدواج کند، مرتکب زنا شده است. حال، قرار است این یک متن ساده باشد که روی صفحه می‌بینید. با این حال، به دلیل جنجال‌های مختلف و برخی از چیزهایی که هنگام شروع صحبت در مورد این موضوع در کلاس من مطرح می‌شود، باید چند نکته از این متن را برجسته کنم.

بخش‌هایی را به طور خلاصه برجسته خواهم کرد، و سپس آیه ۱۸ که به بخش ازدواج و طلاق می‌پردازد را کمی دقیق‌تر بررسی خواهیم کرد. بنابراین، عیسی در اینجا با فریسیان سر و کار دارد. توجه کنید که مخاطب تغییر کرده است.

تغییر در مخاطب قابل توجه است زیرا در اینجا، عیسی قرار است به مسائل مربوط به قانون و اخلاق بپردازد. او در ادامه به فریسیان اطمینان می‌دهد که اگر مایل باشید، پادشاهی خدا که موعظه می‌شود، یک امر استثنایی نیست. در واقع در امتداد آموزه‌های شریعت و پیامبران است.

اگر دوست دارید، این مطابق با متون مقدس یهود است. از زمان یحیی تعمید دهنده، این چیزها ادامه داشته است، و او می‌گوید که پادشاهی خدا در حال آمدن است و مردم سعی می‌کنند وارد آن شوند، و آن عبارت این است که آیا آنها با خشونت وارد آن می‌شوند؟ آیا آنها به زور وارد آن می‌شوند؟ این یک عبارت جالب در این متن خاص است. عیسی در ادامه به فریسیان یادآوری می‌کند که شریعت و پیامبرانی که او در اینجا در مورد آنها صحبت می‌کند باید با آنها حل و فصل شود زیرا این چیزی است که آنها با آن راحت‌تر هستند.

آنها دوست ندارند آموزه‌های عیسی را در تضاد با کتاب مقدس ببینند، و عیسی سعی دارد بگوید، ببینید من چه می‌گویم؛ آنچه من انجام می‌دهم در امتداد آنچه شما موعظه می‌کنید است. اما چیزی در مورد این متن وجود دارد که باید آن را ناسازگار یا نگران‌کننده بدانید. ابتدا به آن نگاه کنید و بسته به ترجمه خود، خواهید دید که برخی از محققان آن را به عنوان اتهامی از سوی فریسیان مطرح یا ترجمه می‌کنند که باعث ایجاد حس تمسخر یا استهزا در اشاره عیسی به فریسیان به عنوان پول‌پرست می‌شود.

حالا، باید بدانید که من آن جمله را مسخره نکردم، اما اولین باری که یونانی را دیدم، خندیدم، و باید بدانید چرا، زیرا در تعالیم فریسیان، آنها تجمل را دوست ندارند. تعالیم آنها این است که شما زندگی ساده‌ای داشته باشید، به شیوه‌ای خسیسانه زندگی کنید و سعی کنید با رعایت شریعت، زندگی درستکاری داشته باشید. بنابراین تعالیم آنها دقیقاً مخالف این اتهام است، پول‌پرستی.

چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ ما فرقه‌ی دیگری را که برای ما آشناست و بیشتر در اورشلیم مستقر است، یعنی فریسیان، می‌شناسیم. آنها عاشق پول هستند، اهل تجارت هستند، املاک و مستغلات زیادی دارند، دوست دارند مسئول باشند، سیستم معبد را کنترل می‌کنند، سعی می‌کنند سیستمی را اشغال کنند، آنها از چهره‌های برجسته‌ی سهندرین هستند، دوست دارند در اطراف پرسه بزنند، از هر ارتباطی چه رومی و یونانی برای رسیدن به هدفشان استفاده می‌کنند، نه فریسیان. اما عیسی آنها را متهم می‌کند یا کسی آنها را متهم می‌کند یا لوقا استنباط می‌کند که اتهامی علیه آنها وجود دارد. آنها عاشق پول هستند.

جای تعجب نیست که در آن آزمون می‌بینید. آنها عیسی را مسخره کردند، اما عیسی چه می‌داند که ما نمی‌دانیم؟ در مورد آن فکر کنید. عیسی همچنین آنها را به خاطر وسواسشان برای وجهه عمومی متهم می‌کند.

آنها دوست دارند در ملاء عام به عنوان افرادی که خود را موجه می‌دانند و از این قبیل چیزها دیده شوند می‌خواهم به شما بگویم که عیسی در لوقا دشمن فریسیان نبود. در واقع، در فرهنگی که مهمان‌نوازی بسیار مهم بود، فریسیان این را مناسب می‌دانستند که گاهی اوقات عیسی را برای صرف غذا دعوت کنند و عیسی دعوت آنها را می‌پذیرفت و به خانه آنها می‌رفت.

معمولاً وقتی او آنجاست، اتفاقاتی که می‌افتد باعث ایجاد آشوب می‌شود. به عبارت دیگر، آنها با لطف از او دعوت می‌کنند تا خاخام شود و او دعوت آنها را می‌پذیرد. در آن فرهنگ مهمان‌نوازی و عمل متقابل، این مهم است.

این یک حرکت مهم است که شما به دشمنان نشان نمی‌دهید، حتی اگر برخی از محققان فرض کنند که همه اینها تله هستند. ما می‌خواهیم در مورد نحوه پیشبرد این موضوع مراقب باشیم. آیا ممکن است وقتی عیسی برای صرف غذا با برخی از این افراد در خانه‌هایشان بیرون می‌رفت و برخی از مواردی که من در این مجموعه سخنرانی با شما مرور کردم، او چیزهای بیشتری دیده باشد که ما از آنها آگاه نیستیم و این باعث می‌شود که او به وضوح بداند که شاید آنها تجمل را ترجیح می‌دهند، حتی اگر سادگی را موعظه کنند.

آنها تا حدودی در تحمل زندگی می‌کنند، هرچند که زندگی به سبکی پست را موعظه می‌کنند. زیرا به کاری که لوقا اغلب انجام می‌دهد توجه کنید. لوقا جایگاه مطرودان و فقرا را برجسته و پررنگ می‌کند.

بنابراین، در مقایسه با فریسیان و سبک زندگی‌شان، آنها احتمالاً عاشق پول هستند. اما نمی‌خواهند این را به آنها بگویند. نمی‌خواهند این را به آنها بگویند.

حالا چیزی به شما می‌گویم که تقریباً شبیه یک جوک است. من اهل غنا هستم و از یک قبیله خاص به نام قبیله کویوو. در غنا، مردم به ما می‌خندند چون ما تجارت را دوست داریم.

آنها فکر می‌کنند وقتی به دنیا آمدیم، در واقع با مغز تجاری به دنیا آمدیم. ما دوست داریم پول دریاوریم. چیزهایی می‌خریم و چیزهایی می‌فروشیم.

ما می‌دانیم چطور چیزها را بفروشیم. ما کارها را انجام می‌دهیم. ما در کشور خیلی چیزها بدهکاریم و گروه خیلی کوچکی از افرادی هستیم که خیلی بدهکاریم.

اما چیزی که یک کویوو نمی‌خواهد به او بگوید این است که ثروتمند است. نه، نه، نه، نه، نه. یک کویوو نمی‌خواهد شما بدانید که ثروتمند است.

یک کویوو دوست دارد با شما بگردد و تقریباً طوری رفتار می‌کند که انگار خیلی فقیر است. و دلایل زیادی وجود دارد که چرا کویووها این‌طور رفتار می‌کنند. من به عنوان یک فرد آگاه می‌توانم به شما بگویم.

گاهی اوقات به این دلیل که نمی‌خواهند دیگرانی که آنها را تنبل می‌دانند به آنها وابسته شوند. گاهی اوقات فکر می‌کنند اگر مردم از داشته‌هایشان مطلع شوند، به آنها حسادت می‌کنند و زندگی را برایشان تلخ می‌کنند. اما از نظر فرهنگی، کویووها نمی‌خواهند به آنها گفته شود که ثروتمند هستند، هرچند که هستند.

من می‌بینم که در هر فرهنگی، جراح وجود دارد. منظورم این است که یکی از چیزهایی که من روی آن کار می‌کنم روابط نژادی است. من متوجه شدم که به عنوان کسی که با یک سفیدپوست ازدواج کرده و فرزندان نژاد بعدی‌ام را دارد، نژادپرستی را به ویژه در آمریکا در هر دو جناح دیده‌ام.

و هر وقت به یک دوست سفیدپوست که مورد آزار و اذیت قرار گرفته می‌گویم، می‌دانید، اگر بخواهم رک و پوست‌کنده بگویم، می‌گویند نه، نه، نه، نه، نه. چون نژادپرستی، نگویید نژادپرستی است. حتی اگر هم باشد، عمل نژادپرستانه است.

نه، این را نگو. وقتی یک سیاه‌پوست را می‌بینم که شفاهی نوشته و می‌گوید نمی‌خواهم سفیدپوست اینجا باشد، می‌گویم، اوه، اما این نژادپرستانه است.

نه، نه، نه، نه. نژادپرستانه نیست. انگار در آمریکا مردم به کلمه نژادپرست حساسیت دارند، هرچند که این کلمه و اعمال نژادپرستانه در همه جای این کشور دیده می‌شود.

می‌بینید، فریسیان می‌توانستند این‌طور باشند. جای تعجب نیست که در کتاب مقدس، آنها بارها و بارها و بارها به ریاکاری متهم شده‌اند. عیسی چیزی را که آنها با آن راحت نبودند، لمس می‌کرد.

هیچ کس در جامعه این را به آنها نمی گوید چون میکروفون را دارند و همیشه به مردم می گویند که سبک زندگی ساده‌ای دارند. عیسی در اینجا آنها را به چالش می کشد. اما بیابید به نکته‌ی دیگری در مورد این متن بپردازیم.

در آیه ۱۶، مردم با خشونت وارد پادشاهی خدا می شوند. باید بدانید که بسته به نحوه پاسخ به سؤالات زیر، می توانید آنها را به چند روش تفسیر کنید. می توانید آن را به صورت مجهول بخوانید

اگر آن را به صورت مجهول در نظر بگیرید، خواهید پرسید که آیا این درباره افرادی است که به زور وارد پادشاهی خدا می شوند؟ زیرا برخی از ترجمه‌های انگلیسی چنین چیزی را القا می کنند. اگر آن را به صورت معلوم بخوانید، به آن به عنوان افرادی نگاه خواهید کرد که با خشونت به دنبال پادشاهی خدا هستند. و سپس می توانید آن را صرفاً ورود به خود پادشاهی بدون اینکه کسی پشت آن باشد، عملی خشونت آمیز بدانید.

این سه حوزه‌ای که من اینجا مطرح کردم، آشکارا مجهول، آشکارا معلوم و چیزی خنثی هستند که فرد خودش را مجبور می کند ترجمه‌های شما را در انگلیسی تان منعکس کند. انتخاب‌های ترجمه در نحوه تفسیر آنها از ۱۶۱۶ نقش دارند. بنابراین این را در ذهن داشته باشید و زود قضاوت نکنید زیرا چیز ساده‌ای نیست

چیزی که می خواهم اینجا در موردش صحبت کنم، اتهامی است که عیسی در این تعلیم درباره طلاق به فریسیان وارد می کند. دانش آموزان من بارها و بارها این موضوع را در کلاس درس مطرح کرده‌اند و ما چندین بار به آن پرداخته‌ایم. همه موافق بودند که این مسائل بسیار بسیار مهمی هستند که باید در جامعه امروز به آنها بپردازیم. وقتی به انجیل‌ها نگاه می کنیم، در اینجا با انجیل لوقا و نحوه برخورد عیسی با این موضوع سروکار داریم.

اولاً، باید بدانید که شریعت موسی طلاق را محکوم نمی کرد. بنابراین، وقتی عیسی گفت که آموزه‌های پادشاهی خدا در امتداد شریعت و پیامبران است و هنوز هم می گوید، اگر با یک فرد مطلقه ازدواج کنید، مرتکب زنا شده‌اید. این یک مشکل است.

باید ببینید که او با فریسیان چه می کند. او به چیزی متوسل می شود که ما باید در نحوه برخورد با متن از آن آگاه باشیم. همچنین باید بدانید که در یهودیت هیچ دیدگاه واحدی در مورد طلاق وجود نداشت، و همچنین در بین فریسیان نیز دیدگاه یکسانی در مورد طلاق وجود نداشت.

مکتب شمای در میان فریسیان، دیدگاه متفاوتی نسبت به طلاق در میان هیللیت‌ها، مکتب ربی هیلل، که مکتبی بود که به عنوان مثال، گامالئیل در فرقه فریسیان به آن تعلق داشت، خواهد داشت. مکتب شمای استدلال می کند که می توان تحت بند استثنا برای زنا یا فسق، طلاق گرفت. اگرچه عهد عتیق طلاق را محکوم نکرده است، اما در تفسیر و به کارگیری متون مقدس توسط این ربی‌ها، آنها این حس را درک کرده‌اند که برخی از اتهامات تثنیه ۲۴ باید تقویت شوند.

اما این گروه‌ها همچنین بسیار محافظه کار تلقی می شوند، زیرا در میان فریسیانی که عیسی با آنها صحبت خواهد کرد، کسانی که به مکتب هیلل تعلق دارند، مکتب شمایت‌ها را قبول ندارند. آنها می گویند طلاق مجاز است، حتی اگر فکر می کنید همسران به اندازه کافی جذاب نیست. می توانید او را طلاق دهید

اما ببینید، عیسی واقعاً یک مسئله حساس را در پادشاهی خدا مطرح می‌کند. بنابراین، برای واعظانی که به این مجموعه سخنرانی گوش می‌دهند، دوستان، به اردو خوش آمدید. می‌دانید، برخی از واعظان نمی‌خواهند به مسائل بحث‌برانگیز بپردازند، اما می‌خواهند در پادشاهی خدا خدمت کنند.

دعوت اشتباه، خدمت اشتباه. عیسی به مسائل بحث‌برانگیز پرداخت. شما باید با آنها مقابله کنید.

چرا؟ چون هر جا که مردم هستند، مسائل حساسی هم برای رسیدگی وجود دارد. در غیر این صورت، اگر تنها کاری که انجام دهیم این باشد که با جریان همراه شویم، رهبری بسیار آسان است. بنابراین، بیایید آنچه را که در آموزه‌های عیسی در اینجا جریان دارد، بررسی کنیم.

به طور خاص، همانطور که لوقا به ما می‌گوید، او در اینجا ابتدا با بیان اینکه آموزه‌هایش در ادامه‌ی شریعت و انبیا است، فریسیان را مورد خطاب قرار می‌دهد. سپس در مورد دیدگاه ریاکارانه صحبت می‌کند. آنها می‌خواهند در بازار خود را تبرئه کنند.

سپس، به موضوعی می‌پردازیم که در مورد طلاق در میان فرقه فریسی اختلاف نظر وجود دارد. اجازه دهید، ذهن شما را با تثنیه ۲۴ تازه کنم. تثنیه ۲۴، قانونی که گاهی اوقات در عهد جدید به آن استناد می‌شود می‌گوید: وقتی مردی زنی را می‌گیرد و با او ازدواج می‌کند، اگر آن زن در نظر او مورد لطف قرار نگیرد، زیرا در عملی ناشایست یافته است، طلاق‌نامه‌اش را می‌نویسد و آن را به دست او می‌دهد و او را از خانه‌اش بیرون می‌کند، و او از خانه می‌رود، و اگر او برود و همسر مرد دیگری شود، و مرد دوم از او متنفر باشد و طلاق‌نامه‌اش را بنویسد و آن را به دست او می‌دهد و او را از خانه‌اش بیرون می‌کند، و اگر مرد دوم که او را به همسری خود گرفته بمیرد، شوهر قبلی که او را فرستاده نمی‌تواند پس از اینکه زن نجس شده است، دوباره او را به همسری خود بگیرد.

زیرا این عمل در نظر خداوند مکروه است، و شما نباید در سرزمینی که خداوند، خدایتان، به شما به ارث می‌دهد، گناه کنید. بنابراین، به آنچه در اینجا در آن قانون تثنیه اتفاق می‌افتد توجه کنید. آنچه در اینجا در تثنیه اتفاق می‌افتد این است که شما می‌توانید به دلایل واقعاً بی‌فایده یا به دلایل آسان، گواهی طلاق صادر کنید، اما اگر گواهی طلاق را به زنی که طلاق داده‌اید بدهید، و آن زن با مرد دیگری ازدواج کند، ببخشید اگر مرد دیگر بمیرد یا مرد دیگر او را به همین ترتیب طلاق دهد، شوهر اول نمی‌تواند با آن زن ازدواج کند.

این یک عمل شنیع است. کل ایده صدور گواهی طلاق یک مسئله بزرگ بود زیرا راهی بسیار بسیار آسان برای رها کردن همسر است. به نظر می‌رسید عیسی به دیدگاه شمیته‌ها متمایل بود که طلاق نباید به این راحتی باشد.

ازدواج مقدس فرض می‌شود و بنابراین تفسیر برخی از متون مقدس مطرح می‌شود، اما همیشه باید به خاطر داشت که وقتی برخی استدلال می‌کنند که همه عهدین هرگز طلاق را محکوم نمی‌کنند، این درست است این درست است، اما توجه کنید که خاخام‌های بعدی، به ویژه در یهودیت معبد دوم، چگونه با مسائل خود برخورد می‌کنند. اما وقتی حتی سه انجیل اول، انجیل‌های هم‌نوا، را مرور می‌کنیم، چه می‌بینیم؟ بیایید نگاهی بیندازیم.

چیزی که ما پیدا می‌کنیم این است که به انجیل مرقس نگاهی بیندازید. مرقس، عیسی با شاگردان صحبت می‌کرد و چیزی را گفت که ما بیشتر در لوقا نیز می‌بینیم، همانطور که عیسی در لوقا با فریسیان صحبت می‌کند. در مرقس، او می‌گوید: همانطور که در خانه، شاگردان دوباره در مورد این موضوع از او پرسیدند، و

او به آنها گفت، هر که زن خود را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند، نسبت به او زنا کرده است، و اگر زن از شوهرش طلاق بگیرد و با دیگری ازدواج کند، زنا کرده است.

متن لوقا در آیه ۱۸ تکرار می‌کند که هر کسی که همسر خود را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند، مرتکب زنا شده است و هر کسی که با زنی که از شوهرش طلاق گرفته ازدواج کند، مرتکب زنا شده است. با این حال، در متی، هنگامی که عیسی در خطبه بالای کوه سخنرانی عمومی می‌کرد، به متنی که در تثنیه به آن نگاه کردیم استناد کرد و در ۵۳۱ گفت: همچنین گفته شده است که هر کس همسر خود را طلاق دهد، باید به او طلاقنامه بدهد، تثنیه ۲۰. اما من به شما می‌گویم هر کسی که همسر خود را جز به دلیل زنا طلاق دهد، او را به زنا می‌کشاند، و هر کسی که با زن مطلقه‌ای ازدواج کند، مرتکب زنا شده است.

و سپس، در فصل ۱۹، عیسی دوباره گفت، به دلیل سنگدلی شما، موسی به شما اجازه داد که همسرانتان را طلاق دهید، اما از ابتدا چنین نبود. و من به شما می‌گویم، هر کس همسرش را به جز به دلیل زنا، پوینیر طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند، مرتکب زنا شده است. بنابراین، آنچه در اینجا می‌بینیم این است که بند استثنا در متی، همانطور که در متن می‌بینید، وجود دارد و سپس در لوقا، بیشتر در مورد اینکه چه کسی با چه کسی ازدواج می‌کند، می‌بینیم، وقتی طلاق می‌گیرید و ازدواج می‌کنید، این یک مشکل است.

و عیسی در این مورد صحبت می‌کند تا فریسیان را مورد انتقاد قرار دهد؛ وقتی او با فریسیان به این شکل برخورد می‌کند، هر دو هدف را دنبال می‌کند، زیرا از یک طرف، برخی از فریسیان می‌گویند، بله، این همان چیزی است که ما همیشه فکر می‌کردیم. از طرف دیگر، برخی از فریسیان می‌گویند، نه، ما با این مخالفیم. اما می‌بینید آنچه عیسی در اینجا می‌گوید، وقتی به موضوع طلاق و ازدواج مجدد فکر می‌کنیم، بسیار بسیار مهم است.

به متن نگاهی بیندازید، و در اینجا تمرکز من روی لوقا و نحوه برخورد عیسی با شاگردان است. به متن توجه کنید؛ طلاق قرار نیست یکی از آن چیزهای آسان باشد؛ ازدواج قرار است پیوندی پایدار بین دو زوج باشد، و در جای دیگری از عهد جدید، حتی تصویر بین مسیح و کلیسایش را نیز نشان می‌دهد؛ نباید آن را ساده گرفت. با این حال، باید متن را با دقت مطالعه کرد و زیاده‌روی نکرد.

و گاهی اوقات وقتی منظورمان متی است، از مرقس و لوقا نقل قول می‌کنیم، باید بتوانیم بفهمیم که در این میان چه می‌گذرد، زیرا در بند استثنای متی، که من دیده‌ام بسیاری از مشکلات از آنجا ناشی می‌شود، منظور متی جز بی‌بندوباری جنسی چیست؟ این وظیفه من در اینجا به طور خاص نیست، اما همچنان می‌خواهم شما را با معنای آن کلمه آشنا کنم. کلمه‌ای که به بی‌بندوباری جنسی ترجمه شده است، تنها یک کلمه است، پوینیر، که در متن به شما نشان دادم. این کلمه می‌تواند به معنای رابطه جنسی غیرقانونی، فحشا، زنا یا بی‌مهری از انواع بی‌مهری جنسی یا زنا باشد.

فرهنگ لغت یونانی، برخی از فرهنگ‌های لغت معتبر یونانی، همین را می‌گویند، به خصوص اگر کسی را که من به شیوه‌ی بیان این موضوع ترجیح می‌دهم، بگویم که این زنا، زنا، بی‌عفتی، رابطه‌ی جنسی نامشروع است شامل فاحشگی یا فحشا می‌شود، یا انواع رفتارهای جنسی نامشروع از اشکال مختلف را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، کلمه‌ی پوینیر می‌تواند اصطلاح جامعی برای همه چیزهای نامناسب جنسی باشد. شما نمی‌خواهید به خودتان اجازه دهید بگویید من متاهل هستم، اما می‌توانم در انواع رفتارهای جنسی افراط کنم.

عیسی این را دوست نخواهد داشت، اما باید مراقب بود که به این چیزها به عنوان یک استراتژی خروج به راحتی متوسل نشویم. من به عنوان یک کشیش، اغلب گفته‌ام، حتی در مورد پوینیر، در صورت امکان

سعی کنید مشکل را با همسران حل کنید و به دنبال زندگی مشترکی باشید که خدا را جلال دهد. اگر با یک بند مکافات روبرو هستید، اگر بند مکافات باید در میان باشد، این باید آخرین راه حل باشد، زمانی که اوضاع اصلاً خوب پیش نمی‌رود.

اما اخیراً دانش‌آموزان به طور خاص مرا تحت فشار قرار داده‌اند؛ هر وقت به این موضوع رسیدیم، از من چیزهایی پرسیدند، مثلاً در مورد سوءاستفاده چطور، در مورد اعتیاد به الکل چطور، در مورد رها شدن چطور، در مورد ... من می‌گویم اینها مسائل مشروعی هستند، کتاب مقدس چه می‌گوید؟ گفتم نمی‌دانم چرا؟ چون نمی‌بینم که به کتاب مقدس ارجاع داده شده باشند. در کتاب مقدس، آنها باید مورد بحث قرار گیرند و مردم باید موضوع را درک کنند زیرا اگر ما آن را درک کنیم، برخی از مسائل قابل توجه خواهند بود.

بیاید به لوقا برگردیم و ببینیم عیسی با فریسیان چه می‌کند. عیسی به فریسیان گفته است که در تفسیر شریعت و پیامبران با آنها موافق است و آنها را به سه دلیل متهم کرده است که پول پرست هستند؛ آنها این را دوست ندارند و آنها او را به خاطر این موضوع مسخره کرده‌اند. آنها می‌گویند که آنها دوست دارند در ملاء عام دیده شوند، اما این درست است، این درست است، آنها دوست دارند در ملاء عام دیده شوند، و سپس به طلاق پرداخته است، تقریباً با این فرض که سعی دارد در آموزه‌های آنها زمینه‌ای از توافق با آنها را نشان دهد.

بعضی از فریسیان موافق خواهند بود، اما بعضی دیگر نه. در تشابهات هم‌نوا که به شما نشان دادم، ماجرا از این قرار است. در انجیل مرقس، در انجیل متی، می‌توان دریافت که متی شریعت موسی را با همان بند استثنای که به شما نشان دادم، بیان و تفسیر می‌کند.

در متی و لوقا، مخاطبان شامل شاگردان و فریسیان هستند. در متی و لوقا، می‌بینیم که خطاب فقط به مردان است. در مرقس، می‌بینیم که این خطاب به شاگردان در یک محیط خانگی پاسخ می‌دهد و سپس خطاب به هر دو طرف است: زنان نیز باید در مورد طلاق و ازدواج مجدد مراقب باشند.

نگاهی دوباره به این آیه، همانطور که آیه ۱۸ را روی صفحه می‌بینید، کاملاً واضح است. عیسی در واقع می‌گوید که فریسیان باید از توجه خود در ملاء عام دست بردارند، باید از پول پرستی و تظاهر به اینکه پول را دوست ندارند دست بردارند زیرا خدا از دل آگاه است، و باید بکوشند که در قلب خود پاک باشند و مانند مردانی بایستند که در برابر خدا خودبزرگ‌بین یا متکبر نیستند. لوقا به فریسیان یادآوری می‌کند که پادشاهی خدا خلاف آموزه‌های شریعت و پیامبران نیست.

در مورد مسائل طلاق و ازدواج مجدد، او با بسیاری از آنچه خود فریسیان می‌گویند، موافق است. دوستان عزیز، پس از این سخنرانی، تقریباً می‌توانم به شما بگویم که این بخش خاص از انجیل لوقا یکی از آن بخش‌های دشوار است، زمانی که مردم در حال درک مجموعه‌ای از مسائل در این مسابقه هستند و تفکر زیادی لازم است. تمثیل مدیر زیرک، انواع حساسیت‌ها را برمی‌انگیزد.

حتی افرادی هستند که می‌گویند آن تمثیل می‌گوید پادشاهی خدا با ثروت مخالف است. توجه دارید که من این نظریه را مطرح نکردم زیرا نمی‌توانید آن را آنجا پیدا کنید. حال، وقتی به فریسیان می‌رسیم، می‌بینیم که چگونه عیسی از شاگردان به فریسیان منتقل می‌شود و با فریسیان به مسائل می‌پردازد.

نمی‌دانم وقتی گوش می‌دهید، به عنوان یک مسیحی کجا هستید یا به عنوان کسی که سعی در درک بیشتر مسیحیت دارد. اگر شاگرد هستید، به تمثیل مدیر زیرک فکر کنید و به وفاداری و خدمت صادقانه فکر کنید، با این آگاهی که پاداش نهایی وجود خواهد داشت. اگر می‌توانید خود را در جای فریسیان تصور کنید،

جایی که از یک چیز طرفداری می‌کنید و چیز دیگر را رها می‌کنید، پس بفهمید که عیسی همیشه ریاکاری را محکوم کرده است و به ما یادآوری می‌کند که در کارمان با خدا صادق و وفادار باشیم، که نگرش قلبی جایگاهی خالص در برابر خدا، در پادشاهی خدا ستودنی و قابل توجه است.

فکر نمی‌کنم به دلیل محدودیت زمانی، توانسته باشم به اندازه کافی به یکی از دشوارترین مسائل اینجا، یعنی مسئله طلاق و ازدواج مجدد، پردازم، زیرا تجربه من در کلاس درس این است که به محض اینکه این موضوع را مطرح می‌کنید، مردم آرزو می‌کنند که به هر سؤالی که دارند پاسخ دهید. متأسفانه، ممکن است نتوانسته باشم به سؤال خاص شما پاسخ دهم، اما یک چیزی که من شما را به انجام آن ترغیب و تشویق می‌کنم این است که به یادگیری در مورد کتاب مقدس ادامه دهید و همچنان که با هم رشد می‌کنیم و این مسیر را دنبال می‌کنیم، به زندگی وفادارانه در مسیر خود با عیسی مسیح ادامه دهید. گاهی اوقات، ممکن است با سؤالات و مشکلات دشواری در زندگی روبرو شویم، اما در تمام این مسیر، خدا با ما خواهد بود و به ما لطف خواهد کرد و دعا می‌کنم که حتی در جایی که من درک کمی دارم، خدا به شما بینش و بصیرتی عطا کند که بتوانید تصمیماتی بپذیرید که در نهایت او را در نحوه انتخاب مسیر خود با او جلال دهد، زیرا می‌دانید که او که خدمت و مسیر وفادارانه را پاداش می‌دهد، شما را به عنوان خدمتگزار وفادار در پادشاهی خود پاداش می‌دهد.

متشکرم و خدا شما را حفظ کند و دعا می‌کنم که این سفر یادگیری را با ما ادامه دهید و بقیه سخنرانی‌ها را دنبال کنید. خدا شما را حفظ کند.

من دکتر دانیل کی. دارکو هستم و در مورد آموزه‌هایش در مورد انجیل لوقا صحبت می‌کنم. این جلسه ۲۵ است، عیسی در مورد مدیر زیرک و طلاق، لوقا ۱۶: ۱-۱۸.